



### جمهوری اسلامی نیاز به نیروی نیابتی ندارد

صفحه ۲



### ارسال پیام تیم ترامپ به تهران

صفحه ۱۰

## وزارت نفت تشریح کرد

# پشت پرده افت تولید گازوئیل و قطعی‌های برق

صفحه ۷

## کارشناسان بررسی کردند

# ارز خانگی

# رفتار واکنشی مردم به تورم

صفحه ۶

## تدبیر قوای مجریه و قضائیه در دفاع از روزنامه‌نگاران

مدیر مسئول روزنامه «مردم سالاری» یادآور شد: از تدابیر ویژه روسای قوای مجریه و قضائیه در جلوگیری از برخورد با روزنامه‌نگاران تشکر می‌کنم. علیرغم وضعیت نابسامان اقتصاد رسانه با تحمل مشکلات به راه خویش ادامه خواهیم داد. مصطفی کواکبیان، مدیر مسئول روزنامه مردم سالاری در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «روز شنبه اول دی‌ماه ۱۴۰۴ به مناسبت...

صفحه ۳

### یادداشت

همگان از طیف‌های مختلف فکری اینک انذاعن می‌دارند که اقتصاد کلان ایران در بن‌بست ناترازی‌ها قرار دارد. حتی رئیس جمهوری با اشاره به این موضوع روزهای اخیر گفته است گمان نکنید که من به تنهایی می‌توانم مشکلات مملکت را حل کنم.

این اعتراف گرچه از روی ناگزیری و استیصال در نبود ساختار تصمیم‌گیری یک پارچه است، شباهت‌هایی با گفته یکی از روسای پیشین جمهوری که مدتی هم بردن نام یا چاپ عکسش در مطبوعات ممنوع اعلام شده بود که گفته بود من فقط یک تدارک چی هستم.

اما در این مقاله بحث قیاس تاریخی نداریم، بلکه می‌خواهیم به وضعیت اقتصاد کلان کشور، هر چه بوده و به هر دلیل که چندان مطلوب نیست و نوعی بن‌بست و ناترازی و به گمان بسیاری به بحرانی شتابنده و بهبود ناپذیر فرارونده، بپردازیم. اقتصادی که طی ۴ دهه گذشته در وجه غالب در دستان دولت‌های مختلف با گرایش‌های گوناگون اما نگرش‌های هم ریشه بوده است به این معنی که

دولت صاحب اقتصاد است و ناغیر.

حال به جایی رسیدیم‌ایم که دولت می‌بایست دست شوم و زیان‌آور خود را با هر توجیهی که دارد از سر اقتصاد بر دارد و دنبال وظیفه و کار اصلی‌اش یعنی تنظیم روابط و مناسبات بین‌المللی و تعامل اقتصادی با دولت‌ها در چارچوب آنچه هم اینک وضعیت اقتصادی جهان است برود، زیرا اقتصاد جهان دگرگون شده و دیگر اقتصادهای جزیرهای اقتصاد شده از اقتصاد جهان و در گوشه‌های دورافتاده بدون ارتباط نداریم. اقتصاد جهانی باتمام اشکالاتی که دارد همه‌گیر شده است و تاثیر گذاری و تاثیرپذیری همه اقتصادها در جغرافیاهای سیاسی متعدد در وضعیت اجتناب‌ناپذیر قرار دارند و اقتصادهای کلان ملی از این باب ملی هستند که حوزه‌های اقتصاد خود را پوشش می‌دهند.

به بیان دیگر، اینکه این اقتصاد در اینجا و آنجا مال من است و جزئیات تمام وجوه اقتدارش در اختیار و حوزه حکمرانی من است، در وضعیت کنونی مبادلات و مناسبات بازرگانی و نقل و پیمان‌های اقتصادی موجود به پایان خود نزدیک است و کارکرد موثر ندارد، زیرا توسعه و رقابت در دست‌یابی به آن گرچه با اشکال مختلف اصلی اقتصادی برای تمام کشورها جهانی تبدیل شده است. شاهد هستیم که اصل توسعه با ماهیت پیشرفت و دست‌یابی به حداقل تراز جهانی برای کشورهایی که هنوز وارد عرصه نشده‌اند به حیطة گریزناپذیری از ناگزیری فرا روئیده است و حتی رقابت برای کشورهای پیشرفته غربی به معنی عام برای دست‌یابی به بازارهای هدف در همین گستره حتی در میان خودشان بیش از گذشته به عرصه‌ای تعیین کننده و سرنوشت‌ساز رسیده است. رقابت در بازارهای هدف و قبضه آنها، به اصلی جهانی به ویژه آنجا که بحث هژمونی میان آمریکا و چین مطرح می‌شود بدل شده و اهمیت

فوق‌العاده یافته‌است. دستیابی به بازارهای مختلف در خاورمیانه و سایر مناطق بازرگانی جهان، خریداران تکنولوژی و کالا و ماشین‌های تولیدی و واسطه‌ای تعیین کننده و سرنوشت‌ساز شده است. جهان اقتصادی جهان قبلی حتی ۲۰ سال پیش نیست، وضعیت و موقعیت‌های نوینی در مناسبات و مبادلات میان ژئوپلیتیک‌های حساس در حال رشد است و به وجود آمده است که حتی بر جلوگیری از وقوع جنگ‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تاثیرگذار هستند.

دوره لشکرکشی آمریکا همانند جنگ‌های گسترده کلاسیک عراق و افغانستان سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۱ پایان یافته است. آمریکا در یافت در این دو جنگ در حوزة بازرگانی جهانی بالغ بر ۸ هزار میلیارد دلار از چین عقب افتاده و متحدینی همچون آلمان آنجلا-سرکل در آن هنگام که آمریکا مشغول این جنگ‌ها بود توانست کشورهای هنگفتی در قالب طرح‌های اقتصادی از کشورهای تازه استقلال یافته از اتحاد جماهیر شوروی نصیب خود کند.

در همان هنگام که آمریکا درگیر دو جنگ کلاسیک بود، ابر کشور چین فراغت کامل یافت و توانست با نفوذ در بازارهای پر سود اعم از نفت و سرمایه‌گذاری در ابر پروژه‌ها در کشورهای مختلف و فروش عظیم کالاهای صنعتی مدل‌برداری شده از آمریکا و غرب، بیش از ده هزار میلیارد دلار پیشی بگیرد. ترامپ جمهوری‌خواه در جلسات ناتو با گروه هفت توانست گلاویه و ناراضیاتی خود را به صورت رفتاری به آنچلا مرکل و سایر کشورهای غربی عضو ناتو و در دیدارهای جمعی پنهان دارد.

در مورد چین هم شاهد بودیم که ترامپ جمهوری‌خواه در دوره اول ریاست جمهوری خود از واکنش‌های سخت‌گیرانه به این کشور اجتناب نورزید و سعی کرد که منافع اقتصادی این کشور در مبادلات با آمریکا را با سیاست‌های تعرفه‌ای کاهش دهد.

گرچه هنوز برتری و هژمونی نظامی آمریکا و دستیابی کشورهای اروپایی به قدرت از طریق تسلیحات نظامی به ویژه هوایی و دور زن نه الزاما به عنوان وسیله‌ای برای اعمال قدرت و برتری جویی یا استفاده در جنگ‌های زمینی نظامی جبهه‌ای کلاسیک با هوایی و دور زن در صحنه تضادها در مناطق حساس کنونی همچون خاورمیانه به کلی منتفی نشده و به کنار نرفته است، ولی فرارویی مناسبات و اعمال قدرت و سمت و سو دادن به سیاست‌های غیر متعارف بعضی از کشورها عمدتا با ابزارهای اقتصادی و بازرگانی صورت می‌گیرد.

موضوع تحریم‌ها به عنوان یک سلاح جنگی مقابله جو تا آنجا متداول شده و گسترش یافته است که آمریکا در اولین واکنش‌های خود نسبت به اقدامات کشورهایی که رفتار آنان منطبق بر آنچه می‌خواهد نیست برای جریمه و مجازات آنان از این ابزار استفاده می‌کند تا درگیر جنگ‌های کلاسیک تمام عیار زمینی و هوایی نشود.

با این مقدمه طولانی باید گفت که ایران به

عنوان یک کشور متفاوت که اینک در وضعیت تقابل جویی در منطقه یا برکنده نسبت به بعضی کشورها با شعارهای نابودی اسرائیل و آمریکا در صحنه روابط و مناسبات بین‌المللی خود را نشان داده است یا در تبلیغات گسترده چنین نمایانده شده، باید مسیر این تقابل جویی استراتژیک را تغییر دهد و به جای اقتصاد جنگی که هم اکنون دچار آن است در صورت لزوم جنگ اقتصادی را با همان ابزارها و پتانسیل‌های بالقوه مقبولیت یافته که تمام کشورهای جهان به آن متوسل می‌شوند و بهره می‌گیرند و در حل تعارض منافع خود استفاده کند و با دست برداشتن از بروت متزلزل، ناپایدار، بی‌نوسان و زیان‌آور انواع نرخ ارز، با تکت نرخ کردن ارز و رقابت ذاتی و درونی آن که البته دامنه نوسان اندکی دارد وارد صحنه اقتصاد جهانی شود و خود را از مخمصه بی‌ایمان تغییر مداوم نرخ ارز نجات دهد.

ایمن ورود می‌تواند ادامه مقابله جویی و آنچه هست به شکل دیگری بانشد یا اینکه مانند همه کشورها به جز تعداد انگشت‌شماری وضعیت متعارف به خود گیرد. البته آغاز این تغییر مسیر و یا به واقع دگرگونی اساسی برای بحث تکت نرخ کردن ارز می‌بایست با قبول شرایط «اف ای تی اف»، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و شرایط و قوانین «یوان دی پی» و تلاش برای ورود به سازمان تجارت جهانی و خلاصه همسانی همه جانبه هنوز در نیمه راه است و نتوانسته است تاکنون با درهای بسته و مسدود و تحریم‌های فزاینده مواجه بوده است.

باید گفت کشورهایی مانند برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی و دیگر کشورهای در حال ورود و عضویت در این تشکل جهانی به رغم ایجاد تشکیلاتی متفاوت در مقابل غرب مانند بریکس قادر نشدند واحد پولی موثر و کارآمدی برای جایگزینی دلار حتی میان خودشان رواج دهند. گرچه این تشکیلات در تحلیل‌هایی برای چانه‌زنی و کسب امتیاز بیشتر از نهادهایی چون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نه مقابله جویی با اقتصاد جهانی ایجاد شد، ولی در کشاکش همه جانبه هنوز در نیمه راه است و نتوانسته است جبهه اقتصادی قدرتمندی در مقابل گروه‌هایی چون «جی هفت» ایجاد کند. در عین حال، ترکیبی متجانس و یو کو به لحاظ اهداف سیاسی واقتصادی کشورهای عضو ندارد و زمینه شکنندگی آن بسیار محتمل است، لذا ایران هم باید منافع کشور خود را دنبال کند. کم‌اینکه همین اعضای بریکس این کار را می‌کنند یعنی هر کدام، هر کجا منافع مالی و بازرگانی‌شان ایجاب کند با آمریکا و کشورهای اروپایی کنار می‌آیند.

این موضوع حتی در مورد چین که هژمونی جهانی در رابطه با آمریکا را دنبال می‌کند با حدت و شدت بیشتری صادق است، یعنی این ابر کشور حتی از یک دلار آمریکا در فلان پروژه در هر جای جهان که باشد و آمریکا میدان دهد نمی‌گذرد.

**ادامه در صفحه ۲**

### یادداشت

آنچه در روزهای اخیر در سوریه اتفاق افتاد تنها یک شورش و یک تغییر رژیم در داخل مرزهای سیاسی یک کشور نبود بلکه زلزله‌ای بود که کل منطقه موسوم به خاورمیانه را لرزاند و پس‌لرزه‌ها و عواقب آن تا مدت‌ها در این منطقه ادامه خواهد یافت. این رویداد را می‌توان در دو زمینه بررسی کرد: یکی طراحی دقیق و کم نظیری از جنگ ترکیبی عمدتا توسط آمریکا، رژیم صهیونیستی و دیگران و دیگری بررسی و تحولاتی که در آکادمی‌های نظامی و مراکز تحقیقاتی مورد بحث و بررسی قرار گیرد؛ و دیگر تغییرات ژرف در جغرافیای سیاسی منطقه که خود زمینه‌ای برای شکمکش‌های جدید حتی در سطح بین‌المللی فراهم آورده است.

در ریشه‌یابی این رویداد باید به تحولات پس

### گزارش روز

از فروپاشی اتحاد شوروی در اواخر دهه هشتاد قرن گذشته و عنوان «خاورمیانه جدید» و سپس به اشغال عراق در ۲۰۰۳ و حوادث سال ۲۰۱۱ و بعد از آن در سوریه بازگردیم که این یادداشت کوتاه اجازه ورود در آن را نمی‌دهد اما ویران کردن زیرساخت‌های کشور سوریه و فشار اقتصادی از طریق محاصره آن با تحریم‌های شدید طبق قانون قیصر و گسترش فقر در این کشور و آوارگی میلیون‌ها نفر از ساکنان و در نتیجه فرسایش بعث و دستگاه‌های امنیتی پایان دهد. گناه‌بشار اسد این بود که به مقاومت در برابر اسرائیل و حمایت از آرمان فلسطین ایمان داشت و تا آخرین لحظه نیز به این عقیده پایبند ماند و ...

از این گذشته، عملیات روانی در جنگ نرم و موج

## مقاومت سخت ایران مقابل آمریکا و اسرائیل

یکی از مهمترین پرسش‌هایی که در رسانه‌های بین‌المللی و در محافل کارشناسی داخل ایران مطرح بوده و همچنان هم جای بحث بسیار دارد تحولات اخیر منطقه بر جایگاه و نقش جمهوری اسلامی ایران است. مجموعه تحولات رخ داده در منطقه غرب آسیا پس از عملیات طوفان الاقصی در تاریخ هفت اکتبر ۲۰۲۳ میلادی بسیاری از معادله‌های منطقه‌ای را بر هم زد...

صفحه ۱۰

<div><div><span><span></span></span></div><span><b>یادداشت</b></span></div>	
<div><div><span><span></span></span></div><span><b>گناه بشار اسد</b></span></div>	
<div><div><span><span></span></span></div><span>محمد علی مهتدی</span></div>	
<div><div><span><span></span></span></div><span>خبرهای دروغین و عکس‌ها و ویدئوهای ساختگی که نه فقط مردم عادی بلکه بسیاری از نخبگان نیز آن‌ها را باور کردند نقش بسیار مهمی در پیشبرد اهداف طراحی شده بازی کرد. در همین راستا، آنها از شخص بشار اسد یک «دیکتاتور خونخوار» ساختند در حالی‌که او یک سیاستمدار اصلاح‌طلب بود که اصلاحات زیادی هم در زمینه‌های مختلف در سوریه اجرا کرد هرچند نتوانست به فساد و ستمگری موجود در مراکز قدرت بویژه در حزب بعث و دستگاه‌های امنیتی پایان دهد. گناه‌بشار اسد این بود که به مقاومت در برابر اسرائیل و حمایت از آرمان فلسطین ایمان داشت و تا آخرین لحظه نیز به این عقیده پایبند ماند و ...</span></div>	
<div><div><span><span></span></span></div><span><b>ادامه در صفحه ۱۰</b></span></div>	

<div><div><span><span></span></span></div><span><b>یادداشت</b></span></div>	
<div><div><span><span></span></span></div><span><b>فشار فضای سوریه به روابط ایران و ترکیه</b></span></div>	
<div><div><span><span></span></span></div><span>مؤسسه سلطنتی روابط بین‌المللی «چتم‌هاوس» در گزارشی به بررسی تاثیرات سقوط حکومت بشار اسد بر روابط ترکیه با ایران و چالش‌های پیش‌روی دو کشور پرداخت.</span></div>	
<div><div><span><span></span></span></div><span>«هیچ بحران دیگری جایگاه ترکیه را در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به اندازه بحران سوریه بازتعریف نکرده است. ترکیه طولانی‌ترین مرز حضور خود را با سوریه به طول بیش از ۹۰۰ کیلومتر دارد. بنابراین، سوریه نه تنها یک مسئله سیاسی خارجی برای ترکیه بلکه یک مسئله داخلی نیز محسوب می‌شود.»</span></div>	
<div><div><span><span></span></span></div><span>چتم هاوس (Chatham House) در گزارشی با این مقدمه می‌نویسد: در حالی که ترکیه در روند بحران سوریه تأثیرگذار بوده است، این بحران نیز به نوبه خود دینامیک‌های سیاست داخلی ترکیه و روابط بین‌المللی این کشور را برای بیش از یک دهه شکل داده است. رابطه میان ترکیه و بحران سوریه داستانی از بازتعریف متقابل بوده است.</span></div>	
<div><div><span><span></span></span></div><span>تقریبا تمامی شکاف‌های هویتی قومی، فرقه‌ای و ایدئولوژیک که در سوریه وجود دارد، در ترکیه نیز حضور دارند. همچنین ترکیه میزبان حدود ۳٫۶ میلیون پناهنده سوری است که منجر به ظهور احزاب افراطی و ضد مهاجر و بازتعریف ماهیت سیاست‌های ملی‌گرایانه در این کشور شده است.</span></div>	
<div><div><span><span></span></span></div><span>از میان تمامی بازیگران خارجی در سوریه، ترکیه به عنوان تأثیرگذارترین حامی اپوزیسیون سوریه باقی مانده است. این سیاست به طور فزاینده‌ای غیرمحبوب شده است، زیرا هزینه‌های سنگین این بحران برای ترکیه از جنبه‌های امنیتی، سیاسی و اقتصادی و به ویژه در قالب ورودی پناهندگان بسیار بالاست.</span></div>	
<div><div><span><span></span></span></div><span>منتقدان سرسخت سیاست دولت، اپوزیسیون ترکیه، مدت‌هاست که از آنکارا خواسته‌اند روابط خود را با رژیم اسد که اکنون برکنار شده، عادی کنند و حمایت از گروه‌های مخالف را متوقف نمایند.</span></div>	

آنکارا درصدد ساخت اهرم‌های تاثیرگذار در دمشق با سقوط دولت، رجس طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه و دولتش احساس می‌کنند که سیاست‌هایشان توجیه شده است. به طوری که بازیگرانی که ترکیه طی سال‌ها روابط نزدیکی با آن‌ها داشته، اکنون آماده‌اند تا تأثیر و قدرت بیشتری در دمشق به‌دست آورند و آنکارا آماده است تا اهرم‌های تاثیرگذاری اساسی در سوریه به‌دست آورد. قبل از سقوط رژیم اسد، چهار هدف اصلی در سیاست سوریه‌ای ترکیه جایگاه برجسته‌ای داشت: بازگشت جزئی پناهندگان سوری؛ امنیت مرزها؛ عقب‌انندن دستاوردهای سیاسی و سوزمینی نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) که توسط کردها رهبری می‌شود؛ گرفتن برخی امتیازات از رژیم در هرگونه مذاکرات برای گروه‌های مخالف سوری متحد با آن.

با سقوط رژیم، هدف چهارم منسوخ شده است. اما آنکارا تلاش خواهد کرد تا سایر اهداف خود را از طریق نفوذ بر رهبران جدید در دمشق و ارتباط با جامعه عرب و قبایل عربی و در حالی که فشار نظامی بر نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) را حفظ می‌کند، محقق سازد.

**راه بازگشت پناهندگان سوری باز می‌شود؟**
با سقوط رژیم اسد، انتظاراتی در ترکیه وجود دارد که پناهندگان سوری به خانه‌هایشان بازگردند. اگرچه سوری‌هایی که در کشورهای همسایه، از جمله ترکیه، زندگی می‌کنند، شروع به بازگشت به سوریه کرده‌اند، اما کشور پس از ۱۳ سال جنگ داخلی خونین به شدت ویران شده است و شرایط هنوز بحرانی است. بنابراین، سوری‌ها نمی‌توانند به طور دسته‌جمعی به خانه‌های خود بازگردند، حداقل در کوتاهمدت. سیاستمداران ترکیه – نه خود را با رژیم اسد که اکنون برکنار شده، عادی بنظر اپوزیسیون – و شخصیت‌های عمومی باید از تیزرگ‌نمایی انتظارات مربوط به بازگشت پناهندگان سوری خودداری کنند.